

سلطه صهیونیسم بین الملل در شمال اروپا

کمک به تشکیل اسرائیل

مقدمه:

همزمان با خاتمه جنگ دوم جهانی که موجب کشتار و آوارگی شمار زیادی از یهودیان گردید، آژانس بین المللی یهود فعالیت‌های بسیاری را برای رسیدگی به وضع این گروه از طریق سازمان ملل آغاز کرد. اولین دبیر کل سازمان ملل تریگوئه لی* نروژی بود. وی در زمان اشغال نروژ، وزیر امور خارجه دولت تبعیدی در لندن بود و از آن زمان با فعالیت‌های آژانس بین المللی یهود، شاخه لندن در ارتباط بود. در سال ۱۹۴۶ پایگاه بزرگی در نروژ برای امداد رسانی از سوی صلیب سرخ نروژ به یهودیان ایجاد شد که کار امداد و

هدف از نگارش این مقاله نگاهی دوباره و عمیقتر به وضعیت کشورهای اسکاندیناوی از منظر ارزش پشتیبانی و میزان حمایت آنان از صهیونیسم بین الملل است. هر چند نقش اصلی پشتیبانی، همواره بر عهده یهودیان آمریکا بوده است، اما یهودیان صهیونیست اسکاندیناوی و ساختارهای منظمی که به وسیله آنان در شمال اروپا ایجاد شده است، به گونه‌ای منحصر به فرد در تمام جهان با پوشش‌های متنوعی نظیر سازمان‌های حقوق بشر، دفاع از صلح، بی طرفی و میانجیگری، به کمک‌های خویش به رژیم صهیونیستی و پایدار نمودن هر چه بیشتر صهیونیسم بین الملل در عصر کنونی ادامه می‌دهند.

* Trygve Lee

جانبه، در دفاع از تشکیل یک حکومت یهودی و تثبیت آن خلاصه می‌شد. (۲)

اگر چه دولت نروژ از ابتدای قرن بیستم در جهت تشکیل یک کشور صهیونیستی تلاش می‌کرد، و اعزام یهودیانش به فلسطین را نمی‌پسندید، اما دو راه حل انتشار یهودیان در اروپا و تشکیل جوامع یهودی‌نشین در آفریقا یا آمریکای لاتین را پیشنهاد می‌داد. وقوع جنگ جهانی چرخش تندی در سیاستهای اعلام شده نروژ در فاصله سالهای ۴۹-۴۵ پدید آورد. جنبش کارگری نروژ که به تازگی قدرت یافته بود، طرحهای دیگری را ارائه داد. خانم «آسه لیونس» * رییس شاخه زنان حزب کارگر نروژ، مسؤول طرحهای دولتی برای اسکان یهودیان در اروپا بود و به دلیل خدماتی که به یهودیان کرد بعدها دوست صمیمی و نزدیک نخبگان اسرائیل شد. وی در سال ۱۹۷۸ به عنوان ریاست کمیته نوبل، جایزه صلح نوبل همان سال را به صورت

کمک‌رسانی به یهودیان در فاصله سالهای ۴۹-۱۹۴۶ در نروژ انجام می‌داد. در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۹ یک هواپیمای هلندی که حامل ۲۷ کودک یهودی تونسی الاصل بود و در حالیکه یک پرستار و یک مددکار اجتماعی و چهار نفر هلندی در این هواپیما بودند در نروژ سقوط کرد و همه سرنشینان بجز یکی از کودکان کشته شدند. علت سقوط هواپیما نیز هوای نامساعد اعلام شد. (۱) اما این موضوع بهانه‌ای برای تحریک افکار عمومی در نروژ به وسیله رسانه‌های گروهی به نفع یهودیان شد. از آن پس وبه خاطر همین حادثه، حضور پناهندگان یهودی در نروژ، امری موجه جلوه داده می‌شد. پس از بازگشت یهودیان به نروژ در خاتمه جنگ دوم جهانی، یهودیان برای حفظ نفوذ خویش در نروژ فعالیتهای زیربنایی را آغاز نمودند و ضمن این عمل دولت نروژ را وادار به تأیید و پشتیبانی از موجودیت اسرائیل نمودند. مواضع رسمی دولت نروژ، حتی پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۵۰ به صورتی یک

* Aase Liones

مشترک به سادات و بگین اعطاء کرد.

از جمله افراد و گروه‌های مؤثر در نروژ و شمال اروپا که از تشکیل دولت صهیونیستی پشتیبانی نمودند می‌توان به جنبش کارگری و حزب کارگر نروژ به رهبری آقای «هاکون لی» و «فین موئه» رئیس کمیته امور خارجی پارلمان نروژ، «هالوارد لانگه»، وزیر امور خارجه نروژ و مهمترین فرد، «تریگوه لی» دبیر کل نروژی سازمان ملل اشاره کرد. دولت نروژ در زمره اولین دولتهایی بود که رژیم اشغالگر اسرائیل را به رسمیت شناخت، به عضویت آن در سازمان ملل رأی مثبت داد و در تابستان ۱۹۵۰ نیز روابط سیاسی خویش را با اسرائیل برقرار نمود. روزنامه «آدبیدربلادت» (۳)، ارگان حزب کارگر نروژ به دولت نروژ توصیه کرد که به ساخت کیبوتص* در اسرائیل اقدام نماید. در اواسط دسامبر سال ۱۹۴۹ «هاکون لی» رئیس حزب کارگر نروژ به اسرائیل رفت تا پروژه ساخت اماکن مسکونی و عمومی را با دولت جدیدالتأسیس صهیونیستی مورد مذاکره قرار دهد. همزمان روزنامه

«آدبیدربلادت»، ارگان حزب کارگر نروژ، در نوامبر ۱۹۴۹ آگهی‌های درخواست کمک مادی از مردم نروژ برای ساخت کیبوتص در اسرائیل را انتشار داد. براین اساس مبالغ قابل توجهی از سوی نروژی‌ها برای انجام پروژه‌های متعدد در اسرائیل جمع‌آوری و ارسال گردید.

از سوی دیگر، در آن هنگام، بیشترین دوستداران اسرائیل در شمال اروپا در نروژ حضور داشتند و این کشور تبدیل به پایگاه تدارکاتی برای دولت جدید صهیونیستی گردید. در دسامبر ۱۹۵۰ دفتر کاربایی «هیستادروت» وابسته به وزارت کار رژیم صهیونیستی، برای جلب کمک و نیروی کار، در اسلو افتتاح گردید. حزب حاکم کارگر نروژ در طول سالهای تشکیل اسرائیل، از آن کشور به عنوان حکومتی مبتنی بر پایه‌های دمکراسی و اصول سوسیالیستی یاد می‌کرد و آن را مورد تقدیر قرار می‌داد. مقامات

* kibbutz شهر کهایی که کارکنان در مقابل کار دستمزد دریافت نمی‌کنند بلکه مایحتاج آنان از سوی مسئولین شهرک کاملاً تأمین می‌شود.

اسرائیل در سازمان ملل قرار می‌داد. اسرائیلیها که به این نقشه‌ها دست یافته بودند، از فولکه برنادوت ناراضی شده و سرانجام در سپتامبر ۱۹۴۸ او را که برای بازدید و مذاکره عازم اسرائیل شده بود در دروازه شهر بیت‌المقدس بوسیله عوامل سازمان تروریستی «لحی» به قتل رساندند. (۴) قتل «فولکه برنادوت»، میانجیگر صلح سوئدی باعث گردید که سوئدی‌ها در به رسمیت شناختن اسرائیل تمایلی نشان ندهند. دانمارکی‌ها نیز به آوارگی خیل عظیم فلسطینیان اعتراض نمودند. اما «هالوارد لانگه»، وزیر خارجه وقت نروژ، به ریزنی نزد سوئد و دانمارک پرداخت تا آنان نیز اسرائیل را به رسمیت بشناسند. هر دو کشور از نروژ پیروی کردند و در همان سال روابط سیاسی خود را با اسرائیل برقرار کردند. (۵)

دولت کارگری نروژ کمک‌هایی را در اختیار اسرائیل قرار می‌داد و از سوی سایر کشورها، برای دولت جدید سلاح تهیه می‌کرد. هشت ماه قبل از آن که اسرائیل به

نروژی در آن سالها هیچ تلاشی برای فهم مشکل خاورمیانه انجام ندادند و دوستان نروژی اسرائیل نیز هرگز نخواستند، دیدگاه‌هایشان را تغییر دهند. کلیه تلاشها در رسانه‌های گروهی نروژ، بر این نکته متمرکز بود که کوچکترین اطلاعاتی درباره وضعیت فلسطینیان و آوارگان و اردوگاههای فلسطینی به افکار عمومی و مردم ارائه نگردد. «تریگوه لی» دبیر کل نروژی سازمان ملل در تابستان سال ۱۹۴۸ که تعطیلات تابستانی خویش را در نروژ می‌گذرانیید، در یک نطق رادیویی کوچکترین توجهی به مشکل خاورمیانه و وضعیت اسفبار آوارگان در آن هنگام نکرد و تنها به ارائه راه حل صلح‌آمیز «فولکه برنادوت» سوئدی اشاره نمود. «فولکه برنادوت»، طرحی را برای صلح بین فلسطینیان و اسرائیل تهیه نموده بود که مورد پسند دبیر کل سازمان ملل واقع نگردید. «تریگوه لی» کلیه این طرحها و دست نوشته‌های معاون خویش را به صورت محرمانه در اختیار «آبا ابان» سفیر وقت

مصر حمله کند و صحرای سینا را به تصرف خود در آورد فرستادگانی از نروژ در اجلاس مشورتی سوسیالیسم بین الملل شرکت کرده و در آن اجلاس، شعار «سلاح برای دفاع» و «جلوگیری از تهاجم» را به نفع اسرائیل مطرح نموده بودند. (۶)

کمک به تسلیحات هسته ای اسرائیل

در اول ماه مارس ۱۹۵۶ رهبران حزب کارگر نروژ، مذاکراتی را با «روون بارکات» رئیس امور بین الملل سازمان کاریابی «هیستادروت» در زوربخ انجام دادند که هدف از این مذاکرات تأمین آب سنگین برای اسرائیل بود. (۷) این مذاکرات در دهم فوریه سال ۱۹۵۹ بر اساس قراردادی بین نمایندگان نروژ و اسرائیل به امضاء رسید. دولت نروژ بر این اساس متعهد گردید، شرکت «نور شک هیدرو» مقدار ۲۵ تن آب سنگین به ارزش ۶۴۰ هزار کرون، در اختیار اسرائیل قرار دهد. این آب سنگین بعدها در نیروگاه اتمی دیمونای اسرائیل به مصرف تولید بمبهای اتمی رسید.

در اواخر دهه ۷۰ که حملات سنگین اسرائیل علیه لبنان شدت گرفته بود نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در مناطقی در امتداد رودخانه لیتانی شامل شهرهای صور و منطقه مسیحی نشین بئرفورت مستقر بودند. در آن هنگام نیروهای نروژی، سوئدی و فنلاندی جزئی از این نیروها بودند. همزمان با حضور این نیروها در جنوب لبنان مذاکراتی بین بگین و سادات برای امضای قرارداد کمپ دیوید جریان داشت. دولت اسرائیل با به کارگیری تعدادی از افسران نروژی به اطلاعات دقیقی از اوضاع جنوب لبنان دست پیدا کرد. کار فروش اطلاعات به وسیله افسران نروژی به عوامل رژیم صهیونیستی آن چنان اسباب نگرانی مخالفان اسرائیل را فراهم کرده بود که حزب کمونیست نروژ ماهها کوشیده بود تا در گروه نروژی UNIFIL نفوذ کند، تا مانع خرید شدن افسران نروژی توسط اسرائیل شود، اما در این تلاش ناموفق بود. (۸)

در طول زمان حضور گروه نروژی عضو

اتلافی «یان پی سی سه»* در نروژ سقوط کرد و حزب کارگر به قدرت رسید. در آن سال کمیته امور خارجی پارلمان نروژ و دولت کارگری مأمور انجام مذاکراتی بین اسرائیلیها و فلسطینیان به صورت کاملاً محرمانه و به موازات انجام مذاکرات پاریس و اسپانیا بود. در مذاکرات محرمانه اسلو «یوهان یورگن هولست» وزیر امور خارجه نروژ، «استن اندرسون»** وزیر امور خارجه سابق سوئد، که در آن هنگام به خاطر روی کار آمدن دولت محافظه کار «کارل بیلدت»، دیگر سمتی در دولت سوئد نداشت و «یان اگلند» (۹) از رهبران حزب کارگر و قائم مقام سابق وزارت خارجه کشورش و نماینده‌ای از وزارت امور خارجه آمریکا و نمایندگان حزب کارگر اسرائیل و نماینده عرفات حضور داشتند. مذاکرات مذکور در شهریور ماه سال ۱۳۷۲ (دسامبر ۱۹۹۳) در اسلو با امضای موافقتنامه «غزه-اریحا» به نتیجه رسید. هدف نروژیها مطرح نمودن خویش به عنوان

یونیفیل در جنوب لبنان، تعداد زیادی از نروژی‌ها علیه فلسطینیان و لبنانیها فعالیت می‌کردند. آنها حامیان سیاستهای دولت اسرائیل بودند و دیدگاههای هواداری از اسرائیل داشتند. نروژ همواره تمایل داشت تا به عنوان یک همکار پنهان و پایدار برای اسرائیل در مبارزه علیه فلسطینیان باقی بماند.

ایفای نقش میانجیگری

در سال ۱۹۸۸ آقای «استن اندرسون»، وزیر امور خارجه سوئد که از اعضای مهم حزب سوسیال دمکرات سوئد و از دوستداران اسرائیل بود، مذاکراتی را با نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و نمایندگان اسرائیل در استکهلم انجام داد. پس از آن رهبران ساف به استکهلم دعوت شدند و مذاکراتی را با سوئدیهها انجام دادند. این مذاکرات به نتیجه‌ای نرسید و سوئدیهها نقش میانجیگری خود در خاورمیانه را رها کردند. پس از آن نروژیها نقش میانجیگری را آغاز نمودند. در سال ۱۹۹۰ دولت محافظه کار و

* Jan P. Syse

** Sten Anderson

را در اختیار داشت، ادامه یافت. در آن انتخابات، حزب کارگر نروژ و احزاب سوسیال دمکرات سوئد و دانمارک ابراز امیدواری نمودند که حزب کارگر اسرائیل در انتخابات پیروز شود. با روی کار آمدن حزب لیکود و تقویت جناح مخالفان قرارداد اسلو، زمینه‌های لازم برای اضمحلال قرارداد فراهم و کلیه مفاد آن به وسیله حزب لیکود بی‌اعتبار گردید.

همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی

شمال اروپا با صهیونیسم

اصول زمینه‌های همکاری امنیتی شمال اروپا با صهیونیسم، به فعالیت کنگره جهانی یهود در جهت عدم قطع احتمالی کمک‌های شمال اروپا به اسرائیل و کنترل و مهار پناهندگان فلسطین و لبنانی ساکن در این کشورها باز می‌گردد. اولین کمک مؤثر تاریخی نروژی‌ها به رژیم صهیونیستی، اطلاع‌رسانی آقای «تریگوه‌لی» در مورد نحوه عضویت در سازمان ملل و چگونگی مقابله با طرح صلح فولکه برنادوت بود. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرارداد

میانجیگر صلح در سطح دنیا بود. «یوهان یورگن هولست» وزیر خارجه نروژ که در جریان کامل مذاکرات اسلو قرار داشت، هفت‌ماه پس از امضای قرارداد، به مرض سرطان درگذشت. نروژ و حزب حاکم کارگر، مبلغ ۲۰۵ میلیون دلار در اختیار تشکیلات خودگردان فلسطین قرار دادند تا حکومت خویش را در غزه برپا کند. شرکت «نورشک هیدرو» نیز تعدادی از مهندسان و متخصصان را برای ایجاد نیروگاه ۴۰۰ مگاواتی در غزه اعزام اسرائیل نمود. همچنین نروژی‌ها مقادیر معتدله‌ی مواد نفتی، گازی و پتروشیمی به صورت کمک‌های بلاعوض در اختیار رژیم صهیونیستی قرار دادند. آنها در ابتکاری دیگر جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۳ را نیز به طور مشترک در اختیار شیمون پرز نخست‌وزیر وقت اسرائیل و عرفات قرار دادند. متعاقباً کمک‌های دیگری از سوی کشورهای سوئد و دانمارک برای حفظ قرارداد اسلو به طرفین انجام شد. این روند تا سال ۱۹۹۵ که حزب کارگر اسرائیل، دولت

عوامل موساد شناسایی شده بود، ماجرای این ترور نماد دیگری از تروریسم دولتی است که به وسیله همکاریهای امنیتی بین نروژ و اسرائیل در شمال اروپا صورت پذیرفت.

در سال ۱۹۹۸ خالد مشعل رهبر شاخه سیاسی جنبش حماس، از سوی عوامل تروریست سازمان موساد، مورد حمله قرار گرفت که این ترور ناموفق بود و خالد مشعل از این حمله جان سالم به در برد. پس از این ترور مشخص شد که عوامل موساد برای انجام این ترور نیز همانند دفعات قبل از گذرنامه‌های جعلی کانادایی استفاده کرده‌اند. اگر چه دولت کانادا رسماً از اسرائیل انتقاد نمود، اما بر اساس شواهد پیش گفته مشخص می‌گردد که سازمان موساد با همکاری سازمانهای امنیت کانادا و نروژ، از گذرنامه‌های هر دو کشور برای پوشش افسران امنیتی خویش استفاده می‌کند.

در سال ۱۹۹۰ و در پی بروز جنگ خلیج فارس، تعداد بسیاری از اعراب

محرمانه‌ای برای همکاری بین پلیس امنیتی نروژ (POT) و سازمان موساد به امضاء رسید. پس از آن سازمان موساد، اقدام به ایجاد پایگاههایی در نروژ نمود تا طرحهای عملیاتی خود را در شمال اروپا سازمان‌دهی کند. در سال ۱۹۷۳ که کارشناسان سازمان موساد به دنبال «ابوحسن سلامه» ملقب به شاهزاده سرخ و یکی از طراحان پشت پرده ماجرای المپیک مونیخ بودند، به اشتباه یک کارگر رستوران به نام احمد بوجی کی، را به تصور آنکه وی همان سوژه مورد نظر است ترور کردند.

حضور گسترده عوامل موساد در نروژ، بر اساس موافقتنامه‌ای بود که همان سال بین (POT) و موساد به امضاء رسیده بود. این موافقتنامه، سازمان موساد را قادر می‌ساخت، عوامل خود را به صورت گروهی برای حفظ مصالح امنیتی اسرائیل، به نروژ اعزام نماید. (۱۰)

صرفنظر از مفاد قرارداد موجود بین POT و موساد که بعدها فاش کردید، و جدا از اینکه احمد بوجی کی به اشتباه از سوی

ابراز تأسف نمایند.

رسانه ها، تبلیغات و مسائل فرهنگی

رسانه ها و تبلیغات در شمال اروپا به عنوان شکل دهندگان و زمینه‌سازان اصلی افکار عمومی مطرح می‌باشند. به عنوان مثال تصویر دقیقی در جهان از سیاست خارجی نروژها در دست نیست و چنانچه تصویری از سوابق موجود منتشر گردد و جدا از تمایلات کنونی رسانه‌های آن کشور به اطلاع مردم آن کشور برسد قطعاً واکنشهایی در بین افکار عمومی بروز خواهد کرد و این قاعده در مورد سوئدپها و دانمارکیها نیز صادق است.

در سال ۱۹۹۷ و در آستانه پنجاهمین سال تأسیس رژیم صهیونیستی، حرکت تبلیغاتی بزرگی به سود یهودیان در رسانه‌های گروهی شمال اروپا انجام شد. به دنبال آن، نخست‌وزیر سوئد اعلام نمود که هیأت ویژه‌ای را برای شناخت میزان اطلاع نسل جوان از وقوع «قتل عام یهودیان»، «اردوگاه اسرا» و «کوره‌های آدم‌سوزی» تعیین کرده است. دولت در همین راستا

خاورمیانه و شمال آفریقا، از نروژ درخواست پناهندگی نمودند. پلیس امنیتی نروژ برای انجام مصاحبه با این پناهندگان، از افسران موساد کمک گرفت و مراحل بازجویی از این افراد به طور کامل به وسیله مأموران و افسران سازمان موساد- که به لباس پلیس نروژ ملبس بودند- انجام شد. در سال ۱۹۹۲ مسأله فاش و تبدیل به یک رسوایی سیاسی و امنیتی در نروژ گردید. (۱۱)

در سال ۱۹۹۴ یکی از نمایندگان پارلمان نروژ به ریاست گروهی از نمایندگان برای تحقیق و تفحص در سازمان پلیس امنیتی نروژ منصوب گردید. حاصل این تحقیق و تفحص گزارش بسیار جامعی موسوم به «گزارش لوند» بود که در آن حزب کارگر متهم به اعطای کمکهای مؤثر امنیتی و اطلاعاتی POT در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به سازمانهای سیا و موساد و تفتیش عقاید سازمان یافته در داخل نروژ از احزاب چپ و چپ افراطی گردید. فاش شدن این موضوع باعث شد تا سیاستمداران و رهبران حزب کارگر در ژانویه ۱۹۹۶ از این ماجرا

و نقاط اتکاء فکری صهیونیسم در آن منطقه می‌باشند، رسالت خویش، شامل غالب نمودن و تعامل پدیده صهیونیسم در اذهان عمومی این جوامع را به خوبی انجام می‌دهند و از سوی دیگر مجریان اهداف مورد نظر صهیونیسم در شمال اروپا محسوب می‌گردند. (۱۳)

نتیجه گیری

آن چه مطرح شد گوشه ای از برخی روابط پنهانی رژیم صهیونیستی با کشورهای شمال اروپا بود. و این رشته‌های اتصال در سطح جهان و یا در معادلات بین‌المللی کمتر مشهود هستند. در حالی که به صورتی فعال و در قالب بخشی از لابی صهیونیسم بین‌الملل عمل می‌نمایند و شواهد و اسناد تاریخی که در بالا بر شمرده شد این مدعا را اثبات می‌نماید.

دستگاه‌های گوناگون در ساختار رژیم صهیونیستی نیز از این نوع روابط پنهانی حداکثر بهره‌برداری را می‌نمایند. زیرا کشورهای شمال اروپا عموماً ثروتمند و محل اسکان یهودیان متمول اروپا هستند.

کتابی تبلیغی درباره قتل عام در اروپا ۱۹۴۵-۱۹۳۳ و با عنوان «در این باره باید تعریف کنید» به ۹ زبان منتشر و به رایگان در اختیار مردم، مدارس و جوانان قرار داد.

انتشار این کتاب موجب شد که هر گونه انتقاد علیه اسرائیل به عنوان مخالفت با دموکراسی تلقی و عامل آن مجرم و به استناد قانون مبارزه با نژادپرستی و به عنوان «یهود ستیز» مورد محاکمه قرار گیرد. بر این اساس عموم افراد و اتباع جوامع اروپای شمالی از نقد و رسیدگی به موجودیت و عملکرد اسرائیل محرومند. (۱۴) اگر چه سازمان ملل متحد در مصوبه سال ۱۳۵۴ صهیونیسم را نوعی «نژاد پرستی» محسوب کرده است و در این کشورها انتقادات شدیدی از حکومت‌های گوناگون در آسیا و آمریکای لاتین و غیره صورت می‌گیرد اما کمترین اشاره‌ای به نقض حقوق بشر به وسیله رژیم صهیونیستی صورت نمی‌گیرد و قلم زدن در این زمینه مجاز نیست.

شخصیت‌ها و روشنفکران متنفذ و معاصر یهودی در شمال اروپا که طرفداران اسرائیل

مهمترین نتیجه‌ای که از این مبحث عاید می‌شود آن است که از سالهای پس از اعلام موجودیت اسرائیل در خاور میانه بر طبق اسناد منتشر شده، فعالیت‌های همکاری بین آن رژیم و شمال اروپا بسیار منظم، سازمان یافته و مداوم بود و این نوع روابط در تثبیت رژیم صهیونیستی نقش مؤثری داشته است. این روابط از دو بعد حائز اهمیت است. ابتدا آن که زمینه‌های فرهنگی و پشتیبانی‌های افکار عمومی را به نفع رژیم صهیونیستی شکل می‌دهند. دوم اینکه کمک‌های اقتصادی چشمگیری را برای آن رژیم ارسال می‌کنند. امروز پس از ۵۰ سال این روابط آشکار شده است.

به چه دلیل اسرائیلیها، نروژیهارا بهترین دوست خویش در شمال اروپا تلقی می‌کنند؟ یک دلیل، آن است که می‌توانند در سیاست خارجی و داخلی نروژ تأثیر گذار باشند. منافع سرشاری که از راه کشتیرانی در منطقه خاور میانه، سوئز و پرت سعید عاید آنها می‌شود دلیل دیگر این همکاری نزدیک است.

دلیل دیگر سودی است که از این روابط پنهانی عاید رژیم صهیونیستی می‌شود و آن تخریب افکار عمومی مسیحیان در شمال اروپا و ایجاد بدبینی در آنان نسبت به جهان اسلام و اعراب است، که به صورت مستقیم با رژیم صهیونیستی درگیر هستند. صهیونیسم، از طریق روابط سیاسی خویش، خانواده‌های ثروتمند و یهودی، رسانه‌های گروهی یهودیان، گرایشهای فکری روشنفکران صهیونیست، عوامل سازمان مוסاد و دفاتر امنیتی آنان در این کشورها، انجمنهای قلم، کمیته‌های دفاع از حقوق بشر و کمیته‌های به اصطلاح صلح و سازمانهای پوششی صلح و برخی از احزاب و نمایندگان پارلمانی آنان به صورتی سازمان یافته، مسلمانان و جهان اسلام را در این کشور مورد بمبارانهای شدید تبلیغاتی و تخریبی خویش قرار می‌دهند تا در آینده هیچ فعالیت فکری، فرهنگی و سیاسی مخالف صهیونیستها از سوی مسلمانان در این نواحی پدید نیاید.

۱۰- تروند برگ و کنوت اینار اریکسن، جنگ محرمانه. اسلو: ۱۹۹۸.

۱۱- تروند برگ و کنوت اینار اریکسن، جنگ محرمانه، همان جلد دوم ص ۴۵۶.

۱۲- خانم آنالیند وزیر امور خارجه سوئد به عنوان شخصیتی طرفدار اسرائیل در شمال اروپا مطرح است. وی قبل از این سمت، در پست ریاست شاخه دانشجویی حزب سوسیال دمکرات و وزارت محیط زیست بوده است. وی مرتباً به وضعیت حقوق بشر در ایران اعتراض می کند حال آن که تاکنون کوچکترین اشاره‌ای به نقض فاجعه آمیز حقوق بشر از سوی اسرائیل ننموده است.

۱۳- در روزهای ۲۵ ر ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۰ کنفرانس «کشتار یهودیان» در جنگ دوم جهانی در استکهلم برگزار شد. روشنفکران صهیونیست، سیاستمداران برجسته اروپایی و مقامات سیاسی و حزبی شمال اروپا در این کنفرانس شرکت داشتند. احتمالاً دلیل برگزاری این کنفرانس در استکهلم و تداوم آن به صورت سالانه، می تواند در پاسخ به رشد مخالفت‌هایی باشد که با داستان‌های مربوط به «کشتار و آدم‌سوزی یهودیان» در شمال اروپا انجام می شود.

پی نوشت:

- ۱- هنریکسن واگه هیلد. نروژ بهترین دوست اسرائیل اسلو: ۱۹۹۶. ص ۲۰.
- ۲- پیشین، فصل اول، ص ۱۷.
- ۳- این روزنامه از سال ۱۹۹۸ نام خود را به DAGSAVISEN (داگساویسن) تغییر داد.
- ۴- اود کارشتن توویت. همه چیز برای اسرائیل. فصل ۹. ص ۱۱۲-۱۱۱.
- ۵- هنریکسن واگه هیلد، نروژ بهترین دوست اسرائیل. فصل اول. ص ۱۹.
- ۶- اود کارشتن توویت، همه چیز برای اسرائیل، فصل ۲۴.
- ۷- اود کارشتن همان.
- ۸- پیشین، فصل ۶۸.
- ۹- آقای یان اگلند قائم مقام دولت کارگری سابق نروژ در وزارت امور خارجه که سالیها بر این سمت تکیه زده بود، از جمله طرفداران و دوستداران صهیونیسم بین الملل و اسرائیل و عضو لابی صهیونیسم در شمال اروپا می باشد وی در ۲۲ ماه مه ۱۹۹۶ پس از شکست دولت کارگری در اسرائیل اعتراف به شکست قرارداد اسلو نمود.